

دکتر محمدرضا باطنی

گروه آموزشی زبانشناسی

استعمال

«که، دیگه، آخه، ها»

در

فارسی گفتاری

مقدمه

در هر زبان بین گفتار و نوشتار تفاوت‌هایی دیده می‌شود. چون و چند این تفاوت‌ها در زبانهای گوناگون فرق میکند ولی تفاوت بین گفتار و نوشتار بطور کلی در هر زبانی وجود دارد و دلیل آنهم اینست که نوشتار محافظه کارتر است و پاپای تحولات گفتار دیگرگون نمیشود. این تفاوت‌ها ممکن است مربوط به تلفظ باشد چنانکه مادر فارسی گفتاری میگوئیم «میره» /mirə/ ولی می‌نویسیم «میرود» /miravad/. یا ممکن است مربوط به کاربرد واژه باشد چنانکه در فارسی گفتاری واژه‌هایی مانند «یالقوز، خیت، چاخان، الم‌شنگه» را به کار می‌بریم ولی آنها را نمی‌نویسیم. نیز ممکن است این تفاوت‌ها از نوع دستوری باشد. مثلاً در فارسی گفتاری برای معرفه کردن اسم میتوان واژه /e/ را به دنبال اسم اضافه کرد (مانند: کتابه اینجا است) ولی در نوشتار برای معرفه کردن اسم یا آن را بدون هیچگونه علامتی به کار می‌بریم (مانند: کتاب اینجا است) و یا کلمه «آن» را پیش از آن قرار میدهیم (مانند: آن کتاب اینجا است).

همچنین ممکن است برخی از صورت‌های زبان در گفتار و ظایفی متفاوت از وظایف خود در نوشتار یا وظایفی علاوه بر آنها بعهده داشته باشند. ما در این مقاله می‌کوشیم استعمال خاص «که»، دیگه (دیگر)، آخه (آخر)، ها را در فارسی گفتاری بررسی کنیم.

استعمال «که» در فارسی گفتاری

«که» علاوه بر کار بردهای عادی خود در فارسی نوشتاری و رسمی، دارای موارد استعمال دیگری است که خاص زبان محاوره می‌باشد. قبل از اینکه بکابک این کاربردهای گفتاری را بررسی کنیم، باید به دو ویژگی کلی که درباره همه آنها صادق است اشاره کنیم.

نخست آنکه در کاربردهای گفتاری «که» همیشه نقش عاطفی بعهده‌دارد نه نقش دستوری. البته «که» در فارسی (نوشتاری و گفتاری) نقش دستوری نیز بعهده دارد و آن در صورتی است که اگر حذف شود، نظام جمله درهم می‌ریزد، مانند «که» در این جمله: «بچه‌ای که پنجره را شکست پسر همسایه ما است.» ولی وقتی می‌گوئیم «که» صرفاً نقش عاطفی بعهده دارد منظور اینست که حذف آن نظام جمله را درهم نمی‌ریزد بلکه باعث می‌شود که رنگ عاطفی خاصی که در جمله وجود داشت از آن گرفته شود. این رنگ عاطفی بیان‌کننده طرز فکر یا نگرش گوینده نسبت به موضوع مورد بحث یا شخص مخاطب است، مانند «که» در جمله زیر: «این سوپ که یخ کرده!» اگر «که» از این جمله حذف شود، ساختمان جمله سالم باقی می‌ماند ولی رنگ عاطفی جمله (که در این مورد نوعی اعتراض است) نیز با آن خواهد رفت.

ویژگی دوم اینست که عنصر «که» در کاربرد گفتاری خود هیچوقت با آهنگ خیزان به کار نمیرود: یعنی آهنگ جمله‌ای که در آن قرار گرفته همیشه افتان است. مقصود از آهنگ خیزان اینست که صدا در پایان جمله زیرتر از آغاز آن باشد. آهنگ خیزان در فارسی ابزار دستوری اصلی برای ساختن جمله‌های پرسشی است. برعکس، آهنگ افتان، پایانی بم‌تراز آغاز خود دارد. آهنگ افتان شاخص عمده جمله‌های خبری در فارسی است.

کاربرد عاطفی «که»

گفتیم منظور از کاربرد عاطفی يك عنصر زبانی اینست که وجود آن در جمله نگرش خاص گوینده را نسبت به موضوع بحث یا نسبت به مخاطب بیان میکند. باین اعتبار «که» در فارسی گفتاری سه نوع کاربرد دارد.

۱- بیان نارضائی

در این کاربرد نقش «که» بیان نارضائی گوینده است. این نارضائی ممکن است از نوع رنجش، اعتراض، ناشکیبائی، شگفتی و مانند آن باشد. باید توجه داشت که در واقع نمیتوان خط قاطعی بین این حالات عاطفی کشید و گاهی احساسی که در ما برانگیخته میشود ترکیبی است از همه اینها. به همین دلیل ما آنها را در يك حوزه عاطفی قرار میدهم و برای این حوزه نام «نارضائی» میگذاریم. بر حسب موقعیتی که این ابراز نارضائی در آن صورت میگیرد میتوان دو نوع بافت (context) باز شناخت: ابراز نارضائی در يك بافت زبانی و ابراز نارضائی در يك بافت غیرزبانی.

الف: ابراز نارضائی در بافت زبانی

در این مورد بافت زبانی گفتگویی است که بین دو یا چند نفر جریان دارد و یکی از گویندگان میخواهد به تمام یا بخشی از گفته گوینده دیگر اعتراض کند یا نوعی نارضائی را بیان نماید، مانند مثال‌های زیر:

گوبنده اول	گوبنده دوم	تعبیر نارضائی یا اعتراض
۱- کسی درباره این جلسه به من خبر نداد	ما که از شما دعوت کردیم	این حرف درست نیست! با وجود اینکه دعوتنامه برای شما فرستاده شده چرا میگوئید کسی به شما خبر نداده است؟
۲- شما به هیچکدام از اعضای اصلی خبر ندادید	ما از شما که دعوت کردیم	چطور به اعضای اصلی خبر ندادیم؟ لاقلاً شما که عضو اصلی هستید که دعوت شدید.
۳- از راه نرسیده بنای داد و فریاد را گذاشت	شما که هنوز کاری نکرده‌اید	چگونه «قصاص قبل از جنایت» میکند؟
۴- شما باید هزار تومان بمن بدهید	شما هنوز کاری نکرده‌اید	کار نکرده پول برای چه مطالبه می‌کنید؟
۵- من احمد را هم دعوت کرده‌ام	احمد اینجا نیست که	وقتی نیست چطور او را دعوت کرده‌ای؟

بطوریکه ملاحظه میشود جای «که» در جمله متغیر است: میتواند پس از فاعل یا مفعول یا قید یا در پایان جمله قرار گیرد. گاهی این جابجائی اختلاف نسبتاً آشکاری در مفهوم به همراه دارد، مانند مثال‌های ۲ و ۱. گاهی هم این جابجائی تفاوت محسوسی ایجاد نمیکند، مانند مثال‌های ۳ و ۴ که اگر جای «که» در آنها به قبل یا بعد از «هنوز» منتقل شود اختلاف مهمی در مفهوم ظاهر نمیشود. در تمام کاربردهای گفتاری، میتوان «که» را در آخر جمله قرارداد، مانند مثال ۵؛ این جابجائی گاهی باعث خنثی شدن تقابلی میشود که در غیر

اینصورت میتواند آشکار شود. مثلا اگر در مثال‌های ۲ و ۱ گفته میشد «ما از شما دعوت کردیم که» تمایزی که فعلا بین این دو جمله وجود دارد (و اولی روی «ما» و دومی روی «شما» تکیه میکند) خنثی میشد.

ب- ابراز نارضائی در بافت غیرزبانی

مقصود از بافت غیرزبانی موقعیت یا مجموعه شرایط محیطی است که زبان در هر لحظه در ارتباط با آن به کار میرود و چگونگی آن ممکن است در زبان منعکس گردد. مفهوم نارضائی «که» در اینجا برای اعتراض به گفته شخص دیگری نیست بلکه برای ابراز ناخرسندی نسبت به رفتار مخاطب یا نسبت به رویدادیست که برخلاف میل گوینده در محیط رخ داده است، مانند مثال‌های زیر:

واکنش زبانی گوینده

بافت غیرزبانی

- | | |
|---------------------------------------|------------------------------------------------------|
| آقایین سوپ که یخ کرده | ۱- خطاب به پیشخدمت رستوران |
| آقا شما که شانه بنده را خرد کردید | ۲- خطاب به کسی که تنه زده |
| تو هم که دیگه (دیگر) شورش را در آوردی | ۳- خطاب به همسر که از پای میز آرایش بلند نمیشود |
| تو که نامه را پست نکرده‌ای | ۴- خطاب به کسی که باید نامه‌ای را پست میکرده و نکرده |

در تمام مثال‌های بالا «که» را میتوان به آخر جمله انتقال داد. گاهی اوقات «که» در جای اصلی خود میماند ولی «که» دیگری به آخر جمله افزوده میشود، مثلا مثال شماره ۴ به اینصورت درمیآید «تو که نامه را پست نکرده‌ای که». میتوان در يك جمله به چند چیز اعتراض کرد، در اینصورت تکرار «که» ضرورت پیدا میکند. مثلا مثال شماره يك را میتوان چنین بسط داد «آقا این چه وضعی است؟ این سوپ یخ که کرده، بشقابش که شکسته، مزه هم که ندارد!»

۲- پاسخ به يك سوال ضمنی

در این کاربرد گوینده «که» را در مقام اعتراض به گفته یا رفتار شخص دیگری به کار نمیبرد. در اینجا رشته کلام در دست خود اوست و به نظر میرسد که به يك سوال فرضی یا ضمنی پاسخ میگوید و از «که» برای توجیه گفته خود استفاده میکند، مانند مثال‌های زیر (سؤال‌های فرضی یا ضمنی در داخل پرانتز گذارده شده است):

- ۱- برای گرفتن همین ورقه پنج روز دوندگی کردم، (چرا؟) آخه این کارها که آسان نیست.
- ۲- میخواهم قرض او را بدهم و دیگر رویش را نبینم، (چرا؟) تو که او را خوب می‌شناسی.
- ۳- ماشین را از سرویس نگرفته دوباره خراب شد، (چطور؟) این روزها که وجدان کاری باقی نمانده.
- ۴- امید به بهبودی او خیلی کم است، (دکتر او خوب نیست؟) وقتی آدم خیلی پیر باشد که دکتر نمیتواند معجزه کند.

۳- برای گرفتن تصدیق از شنونده

در اینجا گوینده اطمینان دارد که مطلب او مورد تأیید شنونده است و در واقع میخواهد از او لفظاً تصدیق بگیرد. کاربرد «که» در این جمله‌ها نشان‌دهنده اطمینان گوینده از يك طرف و جلب تصدیق شنونده از طرف دیگر است. این جمله‌ها پرسشی نیستند زیرا همیشه همراه با آهنگ افتان هستند و هیچوقت نمی‌توانند با آهنگ خیزان که شاخص عمده جملات پرسشی است به کار روند. با وجود این، چون همیشه تصدیقی را از شنونده انتظار دارند، پرسشی به نظر میرسند، مانند جمله‌های زیر:

بافت غیرزبانی	اطمینان یابی گوینده	پاسخی که انتظار می‌رود
۱- قرار بوده تلگرافی مخابره نشود	تلگراف را مخابره نکرده‌ای که (؟)	نه هنوز
۲- قرار بوده کسی در ساعت مقرر حاضر باشد	شما حاضرید که (؟)	بله، مدت‌ها است
۳- دو نفر قرار است به یک مهمانی بروند	شما چهارشنبه خانه پرویز می‌آئید که (؟)	باحتمال قوی
۴- قرار بوده تا اطلاع بعدی حرکت نکند	شما هنوز حرکت نکرده‌اید که (؟)	نه، هنوز نه

البته دادن جوابهایی که خلاف مطلب گوینده باشد غیرممکن نیست ولی رنگ عاطفی جمله از این حکایت میکند که گوینده انتظار شنیدن آن را ندارد یا تظاهر میکند که انتظار شنیدن آن را ندارد. در این کاربرد، قرار گرفتن «که» در آخر جمله رایجتر است ولی تنها صورت ممکن نیست.

گذشته از داشتن آهنگ افتان، دلیل دیگری که نشان می‌دهد جملات بالا پرسشی نیستند (و بهمین دلیل علامت سؤال آنها داخل پرانتز گذارده شده) اینست که در بافت غیرزبانی دیگری میتوانند از نوع جملات اعتراضی باشند، چنانکه در قسمت ب از شماره یک ذکر شد. مثال‌های زیر این دو کارگی را روشن می‌سازد:

بافت غیرزبانی	جمله	تعبیر
۱- قرار بوده تلگرافی مخابره شود و نشده	تلگراف را مخابره نکرده‌ای که	اعتراض
قرار بوده تلگرافی مخابره نشود	تلگراف را مخابره نکرده‌ای که	اطمینان
۲- قرار بوده کسی قبل از ساعتی حرکت نکرده باشد و کرده	شما حرکت کرده بودید که	اعتراض
قرار بوده کسی قبل از ساعتی حرکت کند	شما حرکت کرده بودید که	اطمینان

بدین ترتیب مشاهده میشود که از نظر صوری تمایزی بین شماره سه و قسمت ب از شماره یک وجود ندارد و فقط شرایط یا بافت غیر زبانی است که دو وظیفه متفاوت بر «که» در این دو مورد حمل میکنند.^۳

استعمال «دیگر» در فارسی گفتاری^۴

«دیگر» از کلماتی است که در فارسی به عنوان صفت، اسم یا ضمیر، و قید به کار میرود. در اینجا کاربرد قیدی آن مورد نظر است. معنی «دیگر» را میتوان بطور مبهم «بیش از این» یا «از این پس» دانست ولی معنی دقیق آن بسته به ساختمان فعلی که با آن به کار میرود تفاوت میکند و گاهی این تفاوت بسیار قابل توجه است. مادر زیر به برخی از این تمایزات اشاره می‌کنیم.

۱- «دیگر» همراه وجه امری

الف- وقتی «دیگر» با فعل نهی (امر منفی) به کار رود. گوینده از شنونده میخواهد که کاری که تا آن زمان ادامه داشته و ادامه آن مورد تأیید گوینده نیست از این پس دنبال نشود، مانند مثال‌های زیر (مثال‌ها در این بخش با تلفظ گفتاری آورده شده‌اند). این کاربرد در فارسی نوشتاری نیز وجود دارد.

حرف نزن **دیگه** معطل نکن **دیگه** نیابند **دیگه** بچه بازی در
نیار **دیگه** نیاد **دیگه**

ب- وقتی «دیگر» با فعل امر (مثبت) به کار رود گوینده عکس حالت اول را از شنونده خواستار میشود: کاری که تا آن زمان صورت نگرفته و تأخیر آن مورد تأیید گوینده نیست باید فوراً آغاز شود، مانند مثال‌های زیر:

بیا **دیگه** ول کن **دیگه** حرف بزن **دیگه**
بگیرش **دیگه** بخواب **دیگه**

برای اینکه تضاد این دو کاربرد روشنتر شود میتوان به ترجمه آنها به

انگلیسی و فرانسه توجه کرد: در مثال‌های قسمت الف، «دیگر» را میتوان به انگلیسی any more و به فرانسه plus ترجمه کرد (مثلا don't speak any more یا ne parle plus حرف نزن دیگه) ولی در مثال‌های قسمت ب «دیگر» را نمیتوان چنین ترجمه کرد. «دیگر» در این کاربرد گفتاری معمولا در پایان جمله قرار میگیرد.

۲- «دیگر» در جمله‌های پرسشی

وقتی «دیگر» در جمله‌های پرسشی به کار میرود معنی آن برابر است با «از این به بعد» یا «از این بیشتر». مثال‌های زیر کاربرد «دیگر» را در جمله‌های پرسشی مثبت نشان میدهد:

تو دیگه میآئی؟ (تو از این به بعد میآئی؟)

تو میخواستی دیگه؟ (تو از این بیشتر میخواستی؟)

در جمله‌های پرسشی مثبت میتوان به جای «دیگر» اصطلاح «باز هم» را به کاربرد (و میتوان آن را به فرانسه encore و به انگلیسی again یا more ترجمه کرد). مثال‌های زیر «دیگر» را در جمله‌های پرسشی منفی نشان میدهد:

تو دیگه نمیآئی؟ (تو از این به بعد نمیآئی)

تو دیگه نمیخواستی؟ (تو از این بیشتر نمیخواستی)

در این نوع جمله‌ها «دیگر» میتواند در آخر یا در متن جمله قرار گیرد و معمولا این جابجائی اختلاف معنائی ایجاد نمیکند.

۳- «دیگر» در جملات خبری:

الف- وقتی «دیگر» در جمله‌های خبری مثبت به کار رود رنگ‌های معنائی و عاطفی زیادی به خود میگیرد که گاهی نزدیک بهم و گاهی از هم کاملا متمایز

هستند. بافت‌های مختلف زبانی و غیرزبانی و آهنگ صدا در ایجاد این نوسانها نقش مهمی بعهده دارند. مادرزیر به چند مورد که بارزتر به نظر میرسد اشاره می‌کنیم:

اول- گاهی «دیگر» برای بیان رویدادی به کار می‌رود که گوینده فکر میکند باید آن را تمام شده تلقی کرد و به عنوان يك واقعیت پذیرفت. این جمله‌ها اغلب يك هاله «بی تفاوتی» در اطراف خود دارند، مانند جمله‌های زیر:

آمد دیگه شد دیگه پیش آمد دیگه رفت دیگه زندگی است **دیگه**
دوم- گاهی «دیگر» برای نشان دادن اعتقاد یا عدم تردید گوینده بآنچه می‌گوید به کار می‌رود، مانند جمله‌های زیر:

بازی در آورده دیگه پول ما را گرو کشیده دیگه
می‌آید دیگه خوب شد دیگه

در این کار برد اگر «دیگر» در آغاز جمله قرار گیرد، نیروی بیشتری پیدا میکند و اعتقاد راسختری را نشان می‌دهد، مانند: «**دیگه** بازی در آورده»، «**دیگه** خوب شد»، «**دیگه** می‌آید» که در مقایسه با مثال‌های قبلی تأکید بیشتری دارند. «دیگر» در این جایگاه اغلب فشار بر است، یعنی تکیه (stress) روی آن قرار می‌گیرد.

سوم- گاهی «دیگر» برای این به کار می‌رود که نشان دهد رویدادی که مورد بحث است پیش از این زمان رخ داده است. در این کاربرد «دیگر» معادل déjà در فرانسه و already در انگلیسی است، مانند مثال‌های زیر:

خیلی دیرگفتی؛ نامه را فرستاد دیگه
میروی فرودگاه چه کنی؟ احمد آمد دیگه
رفتن آنجا بی فایده است؛ حالا دیره دیگه

ب- وقتی «دیگر» در جمله‌های خبری منفی به کار رود مبهم خواهد بود مگر اینکه بافت زبانی یا غیرزبانی مفهوم دقیق آن را روشن کند. یکی از این

معانی همانست که در قسمت ب از شماره ۲ بحث کردیم (پس از این، بیش از این). معانی دیگر آن را در قسمت الف از شماره ۳ بحث کردیم (باستثناء معنی سوم). مثلاً جمله زیر میتواند لااقل سه تعبیر مختلف داشته باشد:

از روزی که باو تذکر دادم این کار را نکرده
است

حق بود که بلافاصله به پلیس خبر میداد، ولی
این کار را نکرده

علت اینکه تلفن نکرده اینست که کار را صورت
نداده (باعتماد گوینده)

این کار را نکرده دیگر

۴- «دیگر» در پاسخ سؤال

«دیگر» میتواند در پاسخ جمله‌هایی که چرایی موضوعی را سؤال می‌کنند به کار رود. در این کاربرد معنی «دیگر» را میتوان «برای اینکه» دانست، مانند جمله‌های زیر:

چرا نمیروی؟ کار دارم دیگر

چطور شد نیامدی؟ برادرم آمد دیگر

گاهی اوقات گوینده برای درز گرفتن سؤال و جواب یا از روی رنجش یا لجبازی با سؤال کننده، در پاسخ سؤال او فقط میگوید «دیگر».

چرا نمیروی؟ دیگر! چرا به کسی نگفتی؟ دیگر!

استعمال «آخه» در فارسی گفتاری

اگرچه «آخه» صورت کوتاه شده «آخر» است، باید توجه داشت که این دو واژه در فارسی امروز بجای هم به کار نمیروند (مگر در یک مورد که شرح آن خواهد آمد) و از آنجائیکه دو کاربرد متفاوت دارند باید آنها را دو

واژه جداگانه شناخت. «آخر» که در گفتار بیشتر به صورت «آخرش» به کار می‌رود، در فارسی معنی «در پایان، سرانجام، بالاخره» و مانند آن را دارد، مانند مثال‌های زیر:

نمیخواست بیاید ولی **آخرش** (آخر) راضی‌ش کردم
آخرش (آخر) حرف خودش را به کرسی نشاند
 نرو، **آخرش** (آخر) پشیمان می‌شوی

در هیچیک از این مثال‌ها «آخه» را نمیتوان بجای «آخر» به کار برد. از طرف دیگر «آخر» هم در هیچیک از مثال‌های زیر نمیتواند بجای «آخه» به کار رود:

آخه دل آدم براش می‌سوزه

آخه اون خیلی طولش می‌ده

آخه بس کن، چقدر سماجت میکنی^۵

کاربرد عاطفی «آخه»

«آخه» مانند «که» که قبلاً بحث شد در جمله کاربرد دستوری ندارد: کاربرد آن فقط عاطفی است. رنگ عاطفی که این کلمه به جمله می‌بخشد بسته به ساختمان فعلی که با آن به کار می‌رود تفاوت میکند.

۱- «آخه» در پاسخ جمله‌های پرسشی

«آخه» در پاسخ جمله‌های پرسشی برای تقویت توجیه پاسخ‌گوینده به کار می‌رود. وی فرض میکند که شنونده از دلیل او خبر ندارد یا آنرا بعلت آشکار بودن نخواهد پذیرفت. در این کاربرد میشود کلمه «میدونی» را بجای «آخه» استعمال کرد:

آخه خیلی خسته کننده بود

چرا کارت را ول کردی؟

چطور شد که خودت نیامدی؟ آخه ماشین نداشتم
 از کی شروع به کار میکنی؟ آخه هنوز که رسماً به من نگفته‌اند
 چرا نمی‌مائی؟ آخه خیلی کار دارم

۲- «آخه» در جمله‌های خبری

«آخه» به جمله‌های خبری رنگ نارضائی یا شگفتی میدهد، مانند جمله-

های زیر:

گوینده دوم

آخه این کار بوق و کرنا نمیخواد
 آخه خودت گفتی بیا که آمدم
 آخه منم برای خودم آدمی هستم
 آخه اینکه ارزش رفو کردن ندارد

گوینده اول

خوبه این را در روزنامه آگهی کنیم
 حق بود تو پیش او میماندی
 زن باید همیشه حرف شوهرش را گوش کند
 میخواهم این فرش را بدهی رفو کنند

۳- «آخه» در جمله‌های امری

در این جمله‌ها «آخه» نشان‌دهنده اصرار گوینده است که مخاطب کاری را انجام دهد یا ندهد، مانند جمله‌های زیر:

آخه طلب او را بده و خودت را راحت کن
 آخه کاری نکن که او به تنگ بیاد
 آخه هرطور شده بیا، بی تو صفائی نداره
 آخه نگذار کار به جاهای باریک بکشد

۴- «آخه» در جمله‌های پرسشی

«آخه» در جمله‌های پرسشی بیان‌کننده اعتراض یا تعجب گوینده است،

مانند جمله‌های زیر:

آخه کوری بچه؟

آخه این را اسمش میگذاری چی؟

آخه تاکی میخوابی؟

آخه اینهم شد زندگی؟

آخه این چه حرکتی است؟

فقط در جمله‌های پرسشی است که گاهی «آخه» به معنی «آخر» به کار میرود. در اینصورت اگر فحوای کلام برای توجیه معنی کافی نباشد، جمله مبهم خواهد بود. مثلاً جمله زیر میتواند دو تعبیر داشته باشد:

<p>بلاخره به چه وسیله‌ای میروی؟ (درحالی‌که مادرت مریض است) چطور حاضر میشوی بروی؟</p>	}	<p>آخه چطور میروی؟</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---	------------------------

استعمال «ها» در فارسی گفتاری

«ها» در فارسی گفتاری همیشه در آخر جمله قرار میگیرد. وقتی تکیه داشته باشد «ها» و وقتی تکیه نداشته باشد «آ» تلفظ میشود. اضافه کردن این لفظ به پایان جمله علامت هشدار گوینده به شنونده است و هیچ نوع نقش دستوری بعهد ندارد:

دیرمیشه‌ها!

بچه را میندازی‌ها!

سرما میخوری‌ها!

اتوبوس میره‌ها!

آهنگ در اینگونه جمله‌ها همیشه افتان است ولی اغلب روی «ها» خیز

میگیرد و سپس کمی فرومیافتند.

حواشی

۱- از دکتر علی حق شناس از گروه زبانهای خارجی دانشگاه ملی سپاسگزارم که توجه مرا به افتان بودن آهنگ این جملات جلب کرد.

۲- جملات پرسشی در فارسی همیشه دارای آهنگ خیزان هستند مگر آنها که دارای کلمات پرسشی مانند **چرا، چطور، کجا**، و غیره باشند که در اینصورت دوامکان خواهند داشت: داشتن آهنگ خیزان یا آهنگ افتان. در هر صورت هیچ جمله پرسشی نیست که در زبان فارسی نتواند با آهنگ خیزان به کار رود. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به: توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، محمدرضا باطنی، امیر کبیر، ۱۳۴۸، صفحات ۸۳ تا ۸۸.

۳- لازار (G. Lazard) در کتاب «دستور فارسی معاصر»

Grammaire du persan contemporain, Klincksieck, Paris, 1957, pp. 249 - 252

به کاربردهای ویژه «که» در فارسی گفتاری اشاره کرده و مثالهای زیادی جمع آوری کرده است. ولی طبقه بندی کاربردها نادرست و مثالهای ذکر شده، عموماً نامربوط و گاهی بکلی غلط است. گاهی معنی دقیق جملات فارسی را در نیافته و در نتیجه ترجمه فرانسه آنها هم غلط از آب درآمده است. با وجود این، باید به کار او ارج گذاشت زیرا تا آنجا که نویسنده میداند او اولین کسی است که به کاربرد گفتاری «که» اشاره کرده است.

۴- از دکتر علی اشرف صادقی از گروه زبانشناسی دانشگاه تهران سپاسگزارم که اول بار توجه نویسنده را به کاربرد ویژه «دیگر» در فارسی گفتاری جلب کرد. تذکر او موجب شد که نویسنده بررسی در این زمینه را دنبال کند.

۵- در آثار قدیم «آخر» در مفهوم «آخه» امروز به کار میرفته است. حافظ میگوید: دلاچندم بریزی خون ز دیده شرم دار آخر / توهم ای دیده خوابی کن مراد دل بر آآخر / از دکتر محمد مقدم سپاسگزارم که توجه مرا باین نکته جلب کرد و این شاهد را نیز ذکر کرد.